

۶	حاج قاسم
۷	آن همیشه سبز
۹	کار ارباب خودمان است
۱۲	حکم تیر
۱۵	اتاقی که همیشه چراغش روشن بود
۱۶	بیست ماه در سپاه پاوه
۲۲	خطبه‌ی عقد من و تو...
۳۰	هزار تابوت در بازار دمشق
۳۲	رمضان؛ ضربت متقابل
۳۶	دیگر چه کسی مانده است؟!
۴۲	ماه همراه بچه‌هاست
۴۴	نبرد با موانع
۴۸	توقیف در قراقرز
۵۲	صلابت در برابر رذالت
۵۴	به سوی کانی مانگا
۵۶	اگر شهید نشدید، اجر شهید را دارید
۶۲	نمی‌خواهم بعد از من سرگردانی بکشی
۶۶	فقط شهادت را می‌خواهم
۷۲	او همه جا با ما است



پاسدار کمیته

در پی پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران، به دستور حضرت امام خمینی، از اوایل اسفند ۱۳۵۷ کلیه‌ی مدارس و مراکز آموزش عالی کشور بازگشایی و معلمان، اساتید، دانش‌آموزان و دانشجویان برای ادامه‌ی تدریس و تحصیل به کلاس‌های درس بازگشتند. به نظر می‌رسید ابراهیم نیز به سرکلاس و تدریس بازگردد، ولیکن در تقدیر او؛ سرنوشت دیگری رقم خورده بود.

۱۳

یا شهید می‌شویم،

یا این‌گونه نزد شما بر نمی‌گردیم

با شروع عملیات آبی، خاکی خیر، همت طی چند مرحله نبرد سخت به همراه گردان‌های خط‌شکن خود محور طلائیه را مورد هجوم قرار داد، ولی هربار با مشکلاتی روبه‌رو شد. اما او فرماندهی نبود که با این سختی‌ها و مشکلات از پای بنشیند. او به هر دری می‌زد تا قفل طلائیه را بشکند. در همین راستا صبح روز هفتم اسفند ۱۳۶۲؛ در شرایطی که طی سه شبانه روز نخست عملیات آبی،